

کاهش زمینه‌های مهاجرت در اثر فعالیتهای صنعتی

انتخاب شیوه حداکثر تولید و یا ایجاد حداکثر اشتغال و یا شیوه‌ای مرکب از این دو در برنامه‌های توسعه اقتصادی تنها در اختیار محققین نیست بلکه سیاست‌گزاران و زمامداران نیز باید درباره آن تصمیم مناسبی بگیرند.

عمده‌ترین هدف هر برنامه اقتصادی این است که اشتغال کامل به وجود آورده و بیکاری آشکار و پنهان را از بین ببرد. هدف اشتغال کامل نیز از یک طرف افزایش تولید و بالا بردن قدرت تولید و از طرف دیگر برقراری توازن و هم‌آهنگی در تغییرات کیفی و کمی ساختار دموگرافی می‌باشد.

می‌دانیم که صنعت و تکنولوژی در هر محیطی موجب افزایش قدرت تولید می‌شود. ولی همیشه باعث افزایش تعداد کارگران شاغل نمی‌شود. عدم توجه به این مسأله ناهماهنگی‌هایی را در توازن جمعیت شهری و روستایی به وجود می‌آورد که نتیجه آن به صورت مهاجرت دیده می‌شود. مسلماً یکی از عوامل و دلایل تاثیر مستقیم و یا غیرمستقیم صنعت در بروز مهاجرت‌ها ضعف و عدم توجه به استفاده از تکنولوژی مناسب و مساعد در صنعتی کردن جامعه است. این پدیده موجب می‌شود که همه مهاجران نتوانند توسط صنایع جذب شوند. لذا به زندگی در زاغه‌ها، حلبی‌آبادها در حاشیه شهرها روی می‌آورند و باعث بروز وحاد شدن مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شهرها می‌شوند.

چنان که می‌دانیم طی ۲۰ سال اخیر در ایران به علت عدم توجه درانتخاب نوع تکنولوژی و شیوه صنعتی کردن کشور، مهاجرت‌های داخلی به صورت قابل ملاحظه‌ای روزه روز افزایش پیدا می‌کند. توجه به نتایج سه سرشماری که در زیر آمده مسأله را بخوبی روشن می‌کند.

سال	تعداد کل جمعیت	متولدین در استانهای دیگر	درصد به کل جمعیت	در مناطق شهری	در مناطق روستایی
۱۳۴۵	۲۵۰۷۸۹۳۳	۱۹۹۰۸۴۴	۷/۹	۱۶۳۹۷۶۹	۳۵۱۰۷۵
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۳۲۴۵۰۲۶	۹/۶	۲۷۵۷۶۰۰	۴۸۷۴۲۶
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۶۴۵۱۱۷۵	۱۳/-	۴۵۱۴۳۲۵	۱۹۳۶۸۵۰

مقایسه ارقام ارائه شده اهمیت و تشدید مهاجرت‌های داخلی را در ایران بیشتر نشان می‌دهد. بدین صورت در طول بیست سال، نه تنها کل مهاجرین کشور از ۷/۹ درصد به ۱۳/۰ درصد افزایش یافته است بلکه مناطق روستایی مخصوصاً آن دسته از روستاها و مراکزی که دارای امکانات نسبتاً خوبی بوده‌اند هم به صورت مراکز مهاجر پذیر درآمده‌اند و به دنبال آن مراکز زراعی و تولیدی به شهرهای کوچک مصرفی با انبوهی از مشکلات پیچیده و لاینحل تبدیل شده‌اند. توجه به موضوع مهاجرت در بعضی از استانها، حاد بودن مسأله را بیشتر روشن می‌کند.

برای نمونه آمار مهاجرت ده سال اخیر شهرستان و شهر اصفهان را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

سال	تعداد مهاجرین از سایر استانهای دیگر	تعداد مهاجرین از سایر شهرستانهای استان اصفهان	کل جمعیت شهرستان اصفهان	تعداد مهاجرین از استانهای دیگر
۱۳۴۵	۲۰۵۵۸	۲۲۰۷۹	۸۶۲۳۲۳	۲۲۰۷۹
۱۳۵۵	۴۷۳۱۵	۹۵۹۵۴	۱۰۳۳۱۷۹	۹۵۹۵۴
۱۳۶۵	۵۱۰۵۷	۱۳۴۰۵۹	۱۴۲۰۴۹۲	۱۳۴۰۵۹

تعداد مهاجرین به شهر اصفهان در طول ۲۰ سال			
سال سرشماری	اصفهان	تعداد مهاجرین از استان اصفهان	تعداد مهاجرین از استانهای دیگر
۱۳۴۵	۴۲۴۰۴۵	۱۸۳۴۹	۲۱۴۸۷
۱۳۵۵	۶۶۱۵۱۰	۴۲۹۰۳	۸۲۷۷۹
۱۳۶۵	۹۸۳۸۶۳	مجموع استان اصفهان و استانهای دیگر ۲۳/۷ درصد	

افزایش جمعیت غیربومی در شهر اصفهان بین دو سرشماری

سال سرشماری	جمعیت غیربومی
۱۳۴۵	۴۰۳۶۷
۱۳۵۵	۱۳۳۳۶۷
۱۳۶۵	۲۳۳۱۷۶

نتایج حاصله از جدولهای فوق بیانگر این واقعیت است که نه تنها مهاجرت داخلی در استان اصفهان بشدت در جریان می باشد و شهر اصفهان در این میان سنگینی بیشتری را تحمل می کند. بلکه چون استان اصفهان به دلایل مختلفی مورد توجه مهاجرین استانهای دیگر است، لذا امروزه یکی از مهمترین مراکز مهاجر پذیر کشور می باشد. به طور کلی مسأله مهاجرت های داخلی ایران دارای دو ویژگی مهم است:

- ۱- این که تعداد جمعیت مهاجر روز بروز در حال افزایش است.
- ۲- این که وسعت و تعداد نقاط مهاجر فرست و مهاجر پذیر به سرعت در حال گسترش است.

بنابراین هماهنگ با افزایش مشکلات در نقاط مهاجر فرست مسأله تدارک و تهیه خدمات در نقاط مهاجر پذیر روز بروز حادثتر و گسترده تر می شود. در این میان به استثنای تهران بقیه مراکز مهاجر پذیر یا از نظر آب و هوا و سایر شرایط طبیعی برای کشاورزی مساعد می باشند و یا از نظر سرمایه گذاریهای عمومی و خصوصی در اولویت قرار می گیرند. اما به علت محدود بودن ظرفیتهای همیشه یک سری مشکلات در طول برنامه های توسعه اقتصادی پیش می آید.

دقت در مناطق مهاجر فرست و مهاجر پذیر نشانگر این مسأله است که مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به طرف مراکز استانها و شهرهای بزرگ صورت می‌گیرد. یعنی وسعت نواحی مهاجر فرست از وسعت نواحی مهاجر پذیر بیشتر است و این امر مشکلات زیادی را به وجود می‌آورد. به عبارت دیگر با وجود ثابت بودن مراکز مهاجر پذیر، به سرعت بر تعداد مراکز مهاجر فرست اضافه می‌شود. با قبول این موضوع که اکثر مهاجرت‌ها از نواحی روستایی به شهرهای کوچک و بزرگ انجام می‌گیرد شکی نیست که هزینه‌های تولیدی در روستاها زیاد، راندمان کم، و بالاخره بی‌ثباتی اقتصادی بیشتر است.

در حالی که مهاجرت از شهرهای بزرگ به سوی پایتخت کند و مداوم است، مهاجرت از روستا به روستا و از روستا به شهرهای کوچک زراعی سرعت بیشتری دارد. حال هم چنان که مهاجرت از روستاها به شهرهای بزرگ موجب گسترش سریع و غیرقابل کنترل آنها می‌شود مهاجرت از روستاها به شهرهای کوچک زراعی نیز باعث می‌شود تا شهرهای کوچک از حالت تولیدی خارج و به صورت شهرهای خدماتی و مصرفی درآیند. چنان که شهر قمشه واقع در ۸۵ کیلومتری جنوب اصفهان که در سال ۱۳۵۵ دارای ۴۶۹۵۶ نفر جمعیت بوده است، در سال‌های اخیر به علت مهاجرت‌ها صاحب تعدادی شهر اقماری شده که ساکنین آنها همگی مهاجر و غالباً از عشایر و زارعین شهرستان سمیرم می‌باشند. مسؤولین شوراها و محلی این شهرکها در مراجعه دانشجویان گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان تعداد جمعیت این شهرکها را به شرح زیر ذکر کرده‌اند.

جمعیت شهرک‌های قمشه در سال ۱۳۶۶

۱- شهرک طالقان	۷۳۰ نفر
۲- شهرک اسلام آباد	۲۲۱۴ نفر
۳- شهرک خمینی آباد	۱۵۴۸ نفر
۴- شهرک ترک آباد	۶۶۲ نفر

برای جلوگیری از تبدیل شهرهای کوچک تولیدی به ویژه زراعی به شهرهای مصرفی و خدماتی، ایجاد مراکز جذب مهاجر با سرمایه‌گذاری در شهرهای اقماری توصیه می‌شود. البته این طرح به شرطی موفق خواهد شد که اصلاحات و عملیاتی در جهت تخفیف

قدرت مهاجر فرستی نواحی انجام شود. چه در غیر این صورت دیری نخواهد گذشت که مراکز به وجود آمده به علت عدم استمرار سرمایه گذاریها، خصوصیات نقاط مهاجر فرست را پیدا خواهند کرد. مهاجرت های داخلی ایران از نظر مسافت دو ویژگی خاص دارند:

۱ - مهاجرت هایی که از یک استان به استانهای دیگر و در مسافت طولانی انجام می شوند.

۲ - مهاجرت هایی که از روستاها و شهرستانها به مراکز استانها انجام می شوند.

اهمیت مهاجرت از روستاها به شهرهای بزرگ با توجه به فزونی تعداد زنان در مناطق روستایی و فزونی تعداد مردان در نقاط شهری بهتر روشن می شود. این مسأله در ترکیب سنی جمعیت نواحی نیز نقش مهمی دارد. به طوری که متوسط جمعیت جوان در شهرهای بزرگ از حد متوسط جمعیت جوان کشور بیشتر است. و این امر باعث می شود تا راندمان و پیشرفت کار و حتی استفاده از روشهای جدید علمی در روستاها به وسیله افراد مسن در سطح پایینی قرار داشته باشد. و برعکس در شهرها جوانی و بی تجربگی جمعیت به ایجاد مشکلات حادی کمک کند.

با توجه به نظریات اقتصاددانان همراه با افزایش و توسعه اقتصادی مهاجرت های داخلی امری عادی است. البته این زمانی معقول و قابل قبول است که نرخ افزایش مهاجرت از روستا به شهرها کمتر از نرخ سرمایه گذاری در صنعت و خدمات مراکز شهری و مهاجر پذیر باشد. در جدول زیر تغییرات جمعیتی ایران را در طول سه سرشماری که بیانگر سیر مهاجرت روستاییان به مراکز شهری است، به روشنی مشاهده می کنیم:

مشاغل	درصد جمعیت	درصد جمعیت	درصد جمعیت	درصد جمعیت
	در ۱۳۳۵	در ۱۳۴۵	در ۱۳۵۵	در ۱۳۶۵
کشاورزی	۵۵/۶	۴۵/۸	۳۴	۳۰
صنعت	۲۲/۶	۲۹/۶	۳۴/۲	۲۶/۱
خدمات	۲۱/۸	۲۴/۶	۳۱/۸	۴۳/۹

با توجه به استمرار طبیعی رشد جمعیت باید افزایش درصد جمعیت دریکی از دو بخش صنعت و یا خدمات با کاهش درصد جمعیت در بخش کشاورزی تطبیق کند، در غیر این

صورت کاهش جمعیت در بخش کشاورزی به صورت مهاجرت‌هایی که در مبدأ و مقصد مشکلات غیرقابل حلی به وجود می‌آورد بروز خواهد کرد. با توجه به جدول تغییرات شغلی جمعیت ایران مشاهده می‌شود که کاهش درصد جمعیت کشاورزی بیش از افزایش درصد جمعیت جذب شده به وسیله بخش صنعت و خدمات است. به عبارت دیگر در مقابل ده درصد مهاجر فرستی بخش کشاورزی، بخشهای صنعت و خدمات قدرت پنج درصد مهاجر پذیری را دارند. به این ترتیب به علت عدم تعادل و هماهنگی بین مهاجر فرستی و مهاجر پذیری مشکلات و نارساییهای در نقاط روستایی و شهری به وجود می‌آیند.

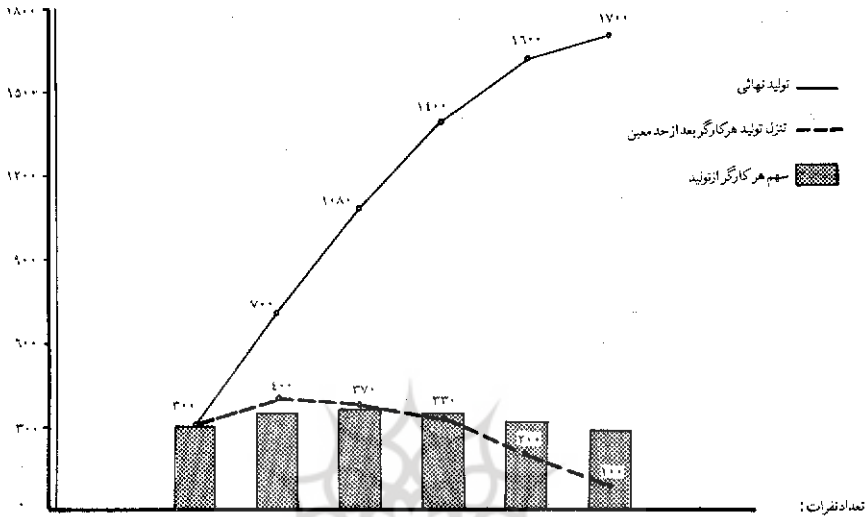
بدیهی است که ایران در مسیر توسعه اقتصادی قرار گرفته است. اگر استمرار توسعه اقتصادی را تحت شرایط عادی و به صورت معقول و واقعی قبول کنیم. ناچار باید استمرار مهاجرت‌های داخلی را نیز به طور معقول به پذیریم، این مسأله با توجه به قانون نزولی بودن محصول نهایی قابل توجه می‌باشد. چنان که در زیر می‌آیند:

فرض می‌کنیم در ۱۰۰ هکتار زمین گندم کشت می‌شود. اگر به مقدار کار و یا سرمایه اضافه کنیم محصول تا یک حد معینی افزایش پیدا می‌کند اما بعد از آن حد، محصول نهایی هرفرد و یا هر واحد از سرمایه شروع به کم شدن می‌کند. این مسأله با استفاده از ارقام زیر محاسبه و روشن می‌شود.

وسعت اراضی	تعداد کارگر	تولید نهایی	بازده نزولی با افزایش کارگر	متوسط سهم بر کارگر از تولید نهایی
۱۰۰	۱	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰
۱۰۰	۲	۷۰۰	۴۰۰	۳۵۰
۱۰۰	۳	۱۰۸۰	۳۸۰	۳۶۰
۱۰۰	۴	۱۴۰۰	۳۲۰	۳۵۰
۱۰۰	۵	۱۶۰۰	۲۰۰	۳۲۰
۱۰۰	۶	۱۷۰۰	۱۰۰	۲۸۳

نمودار شماره یک تحت عنوان قانون بازده نزولی تولید نهایی عملیات جدول را به صورت کمی بیان می‌کند. با دقت به نمودار مشاهده می‌شود که تا یک حد معین افزایش کار معادل افزایش محصول است ولی بعد از آن حد معین افزایش محصول نهایی با سهم

میزان کل تولید به کیلو



تنزل منظم محصول نهائی کار با توجه به ثابت بودن زمین زیرکشت و تغییر نیروی کار

هر فرد از نیروی کار به مقداری نیست که بتواند ارزش کار افزوده را جبران و مستهلک کند. پس تا یک میزان معینی می توان از نیروی انسانی در بخش فعالیتهای زراعی استفاده کرد، و از آن میزان بیشتر برای اقتصادی بودن فعالیتها، باید از سیستم کشت، داشت و برداشت خارج شد. این مورد موضوع مهاجرتها را آن چنان توجیه می کند که می توان آن را به عنوان عامل ضروری برای توسعه و تحول اقتصادی پذیرفت. گذشته از مورد فوق عوامل چندی مانند:

- ۱ - عدم تعادل درآمد و سطح معیشت بین شهرنشینان و روستائینان
 - ۲ - امکان دستیابی به منابع فراوان در شهرها
 - ۳ - امکان استفاده از تفریحات شهری به اضافه دستیابی آسانتر به تحصیل و ورود به موسسات مختلف، به گسترش مهاجرتها کمک کرده و به آن سرعت می بخشد.
- با توجه به مطالبی که بیان شد روشن می شود که چگونه روستاها و نواحی زراعی به صورت نواحی مهاجر فرست در می آیند. به نظر ما و با توجه به طرحها و برنامه ریزیهای توسعه اقتصادی برای مهاجرتهای ایران در آینده می توان سه خصوصیت به شرح زیر مشخص کرد.

۱- مهاجرت‌های داخلی بیشتر خواهد شد.

۲- بخش اعظم مهاجرت‌ها از روستاها و مناطقی که از امکانات و شرایط طبیعی مساعد محروم هستند به شهرها و نواحی خواهد بود که از لحاظ شرایط فیزیکی مساعد هستند.

۳- در نواحی مهاجر فرست و مهاجر پذیر به علت عدم تغییرات بنیادی مشکلات بیشتر خواهد شد. زیرا در مناطق مهاجر فرست بعضی وقت‌ها شدت مهاجرت به قدری زیاد است که به خالی شدن نواحی روستایی به ویژه در نقاط خشک و کویری منجر می‌شود. در پی این امر حجم مشکلات در نواحی مهاجر پذیر نیز، بیشتر خواهد شد.

در این میان عامل مسافت بین نواحی مهاجر فرست و مهاجر پذیر موضوع مهم و قابل توجهی است. مشکلات اجتماعی، اقتصادی، آداب و سنن، طرز تفکر و نحوه زندگی غالباً به علت طول مسافت بین نقاط مهاجر فرست و مهاجر پذیر بروز می‌کنند و تنها توسعه شبکه راهها و سایر وسایل ارتباطی به آسانی می‌تواند این مشکل را به سادگی حل کند. از طرفی افزایش جمعیت کل کشور در آینده باعث خواهد شد که بعضی از شهرهای امروزی به شهرهای مهاجر پذیر تبدیل شوند.

توجه به برنامه‌های تمرکز زدایی و برنامه ریزیهای توسعه اقتصادی غیر متمرکز، به موضوع فوق اهمیت و قوت بیشتری می‌دهد. مخصوصاً اولویت دادن به توسعه بعضی از شهرها که در مسیر مهاجرت‌های امروزی قرار دارند، تمام شک و تردیدها را از بین می‌برد.

توصیه و تأکید زیاد به مسأله تمرکز زدایی و برنامه ریزیهای اقتصادی غیر متمرکز از یک سری عوامل مهم و موثر ناشی می‌شود که به طور خلاصه در زیر آمده است.

۱- رقابت موجود بین فعالیتهای اقتصادی مختلف باعث افزایش قیمت مواد خام، اراضی، دستمزد کارگران و... می‌شود.

۲- در مناطقی که فعالیتهای اقتصادی متمرکز است ارائه بعضی خدمات گران است در نتیجه مقدار مالیاتها و وجوه دریافتی جهت ارائه خدمات از طرف دولت، افزایش پیدا می‌کند.

۳- سرایت روشهای ناقص و اشتباه مدیریت از موسسات قدیمی به موسسات جدید التأسیس و انجام اعتصابات و خواستههای ناروا و غیر منطقی از طرف گروهها و تشکیلات کارگری مشکلات را بیشتر می‌کند.

با وجود این استفاده از برنامه ریزیهای غیر متمرکز و کنترل مهاجرت‌ها در نواحی روستایی و شهرهای کوچک مهاجر فرست، باید با توجه به امکانات بالقوه همان محیطها

پی ریزی و مطرح شود. تانه تنها بار سنگینی بردوش بودجه کشور نگذارد، بلکه با توجه به امکانات نواحی، اختلاف درآمدها و سطح زندگی به نحو مطلوبی حل شود. پس باید کنترل مهاجرت‌ها در وهله اول از مناطق کوچک به نام «روستا» شروع شود و چون کنترل و متوقف کردن مهاجرت به معنی مطلق عملی و اقتصادی نیست، لذا در برنامه ریزیهای اقتصادی، روستا همیشه به عنوان ناحیه‌ای وسیع، متشکل از چند روستا و شهرهای کوچک زراعی مورد نظر خواهد بود. دلایل ما برای استقرار صنعت در روستا به عنوان انگیزه توسعه اقتصادی و کنترل مهاجرت به طور مختصر در زیر آمده است:

- ۱- صنعت، ارزش مواد خام تولیدی ناحیه را بالا می برد.
 - ۲- صنعت، مشاغل و منابع متعدد شغلی به وجود می آورد.
 - ۳- صنعت، در افزایش سطح زیرکشت و راندمان محصول کشاورزی موثر است.
 - ۴- صنایع کوچک، باعث صرفه جویی در مصرف سرمایه‌ها می شود.
 - ۵- صنعت، سطح تکنیک و بازدهی نیروی کار را افزایش می دهد.
 - ۶- صنعت، چهره واحدهای مکانی را از لحاظ فرهنگی تغییر می دهد.
- به نظر ما افزایش اشتغال، افزایش میزان تولید از نظر کمی و کیفی و ارزش ریالی و کاهش زمینه‌های مهاجرتی، تنها با توسل به صنایع کوچک و توسعه آن در نواحی روستایی امکان پذیر است. با توسل به این شیوه از برنامه ریزیهای توسعه اقتصادی است که می توان، بیکاران یا کم کاران را در روستا ماندگار کرده و از مهاجرت آنها به شهرها تا حد امکان ممانعت به عمل آورد. این امر باید چنان ترتیب داده شود که انجام فعالیتهای صنعتی با نیروی زیاد کارگری ممکن باشد.

در شهرستان قمشه طی آمارگیری نمونه‌ای که توسط دانشجویان تحت سرپرستی نگارنده در سال ۶۳ از ۱۰۰ نفر مهاجر انجام گرفته ۷۹ درصد از مهاجرین علت مهاجرت خود را پیدا کردن شغل ذکر کرده بودند.

توصیه می شود تا در مناطقی که مردم به انجام کارهای اجتماعی علاقه دارند و یا زمینه ایجاد این علاقه در آنها هست شیوه کار دسته جمعی در فعالیتهای اقتصادی معمول شود، این شیوه مشکلات مالی و تورمی ندارند. زیرا پس اندازها و سرمایه گذاری‌ها هماهنگ است. اجرای این شیوه منجر به ایجاد یک جنبش ملی خواهد شد. مخصوصاً آگاهی از روح همکاری و تعاون ریشه دار در روستاها و شهرهای کوچک زراعی، می تواند به استقرار صنایع کوچک کارگاهی، کمک مؤثری بکند. در این شرایط به ویژه آن دسته از صنایع کوچک

کارگاهی که دارای خصوصیات زیر باشند توصیه می‌شود:

- ۱- عدم وابستگی صنایع کوچک کارگاهی به صنایع بزرگ کارخانه‌ای
 - ۲- ارتباط و هم بستگی میان صنایع کوچک کارگاهی با صنایع بزرگ کارخانه‌ای.
- شیوه فوق در صنعت ساعت سازی کشور سوئیس مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عنوان مثال در نواحی کوهستانی این کشور، کارگاه‌های تولید قاب و بند و سایر قطعات معمولی ساعت با دریافت سفارش از سوی کارخانجاتی که دارای تکنولوژی پیشرفته هستند، فعالیت می‌کنند. یا در ژاپن، قطعات بعضی از وسایل الکترونیکی در صنایع کوچک کارگاهی مستقر در روستاها، تولید و به کارخانجات مدرن و پیشرفته در شهرهای بزرگ فرستاده می‌شود. تا با سرهم بندی دقیق با دیگر قطعات به صورت تولید نهایی به بازار عرضه شود. در کشور خودمان از صنایع کوچک کارگاهی که هم دوش صنایع بزرگ کارخانه‌ای فعالیت می‌کنند و به هیچ وجه تحت تاثیر قرار نمی‌گیرند نیز نمونه‌های زیادی داریم. به عنوان مثال کارگاه‌های تولید جوراب، پارچه، ریخته گری، فلزکاری، سرامیک سازی، تولید انواع وسایل چرمی و... این نوع از صنایع کوچک کارگاهی به علت استفاده از تکنولوژی ساده می‌تواند در روستاها و شهرهای کوچک تأسیس و استقرار یابند. ویژگی خاص استفاده از این سیستم عبارت است از:

- ۱- کنترل مهاجرت‌ها به طور عقلایی.
 - ۲- تقسیم کار به نحو مطلوب بین شهر و روستا.
 - ۳- افزایش بازدهی کار در بخش صنعت و زراعت و رسیدن به خودکفایی.
 - ۴- افزایش درآمد و برقراری توازن بین درآمد شهری و روستایی.
 - ۵- ایجاد بازار و رابطه تجاری منظم بین شهر و روستا.
 - ۶- کاهش فشار سرمایه‌گذاری از دوش دولت در برنامه ریزیهای اقتصادی و به معنی حقیقی، مردمی کردن برنامه ریزیهای توسعه اقتصادی.
- استفاده از شیوه سرمایه‌گذاری فوق در فعالیتهای صنعتی، عاقلانه‌ترین راه و چاره کاراست. زیرا آن دسته از فعالیتهای صنعتی که به علت افزایش سرمایه‌نیاز به نیروی انسانی را کاهش می‌دهند برای کشور ما که در راستای توسعه اقتصادی قرار گرفته مفید نیستند. چرا که کشور ما به دلایل زیر با کمبود سرمایه‌افزونی نیروی انسانی روبه‌رو است:
- ۱- سیاست عدم اتکاء به صادرات نفت و کمبود ارز حاصل از صادرات سایر کالاها.
 - ۲- افزایش روزافزون جمعیت روستاها و فکر استفاده از روشهای نوین و مکانیزه

در جهت کاهش هزینه های تولید و افزایش قدرت تولیدی.

بنابراین بهره گیری از تکنولوژی خاص کارگاهی و صنایع کوچک در روستاها توصیه می شود. تا از یک سو موجب کاهش نیاز به سرمایه شود و از سوی دیگر با جذب نیروی انسانی بیشتر مهاجرتها را کاهش دهند. در گذشته عوامل مانع اجرای نظریه فوق بود: اول سیاستمداران و شیوه سیاست گذاری، دوم نظریه کارشناسان کشورهای خارجی در تنظیم برنامه های توسعه اقتصادی.

در خاتمه به عنوان نتیجه گیری، دو پیشنهاد کلی زیر در کاهش زمینه های مهاجرتی توصیه می شود:

- ۱- شناسایی امکانات بالقوه نواحی برای تعیین و استقرار صنایع کوچک کارگاهی توسط گروههای جغرافیایی دانشگاهها.
- ۲- عدم صدور پروانه تأسیس و فعالیت برای صنایع کوچک کارگاهی در شهرها و صدور آن با نظرخواهی از دانشگاهها در نواحی مساعد روستایی. بدین منظور تشکیل شورای متشکل از صاحب نظران دانشگاهی و کارشناسان اطاقهای صنایع و معادن در تصمیم گیریهای مربوط به صدور پروانه فعالیتهای صنعتی ضروری به نظر می رسد.

یادداشت

- ۱- دکتر امان الله مهاجر ایرانی: مبانی سیاست اقتصادی، تهران ۱۳۴۸
- ۲- دکتر عبدالرحیم احمدی: ناهماهنگی رشد اقتصادی و اجتماعی در دنیای معاصر تهران ۱۳۴۴
- ۳- دکتر حسن قره نژاد: مقدمه بر جغرافیای صنعتی، اصفهان ۱۳۵۴
- ۴- شارل بتلهایم: برنامه ریزی و رشد شتابان، ترجمه نسرین فقیه تهران ۱۳۵۲
- ۵- پیل ساموئل: اقتصاد، ترجمه دکتر حسین پیرنیا، جلد دوم تهران ۱۳۴۴
- ۶- دیوید کوشمن کویل: توسعه ملی و نحوه عمل آن، ترجمه دکتر منوچهر شجاعی تهران ۱۳۵۶
- ۷- در خدمت صنایع کوچک: نشریه شماره ۶۴ وزارت تعاون و امور روستایی، تهران ۱۳۵۰
- ۸- سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ از انتشارات مرکز آمار ایران
- ۹- جویس کولکو: درباره اقتصادهای با برنامه ریزی مرکزی، ترجمه علی میرزایی، وزارت برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی- اجتماعی و انتشارات. نشریه شماره ۸۸، اردیبهشت ۶۸

10 - Murray D, Bryce, Sinai Kalkinma, Geviren, Gemil Sokmen, Istanbul 1971

11 - Dr. Erol Tumerlekin, Internal Migration - in Turkey Istanbul, 1968.